

مطابق با ماده ۳۷۷ قانون تجارت متصدی حمل‌ونقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیا را به عهده می‌گیرد. چنین تعریفی جامع و مانع نیست و تمامی خصوصیات را بیان نمی‌کند. قرارداد حمل‌ونقل میان متصدی حمل‌ونقل و ارسال‌کننده منعقد می‌شود اما برای مرسل‌الیه (گیرنده کالا) نیز آثار و نتایجی به دنبال دارد. بدین ترتیب تنها اراده ارسال‌کننده و متصدی حمل‌ونقل لازم است و اراده مرسل‌الیه (گیرنده کالا) دیگر در انعقاد این عقد نقشی ندارد. در هر صورت وی از این قرارداد منتفع می‌گردد. در تعریف جامع، قرارداد حمل‌ونقل کالا قراردادی است که به موجب آن متصدی حمل‌ونقل تعهد می‌کند که در مقابل مبلغ معینی، محموله (کالا) معینی را از طریق (راه) معینی از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر حمل می‌نماید. چنین قراردادی با توجه به وسیله مورد استفاده برای حمل مشمول قوانین خاص دریایی، زمینی، ریلی و هوایی می‌شود و آن چیزی که سبب تمایز قرارداد حمل‌ونقل از سایر قراردادها می‌شود آن است که موضوع اصلی قرارداد حمل‌ونقل کالا معین در مقابل اجرت است و متصدی حمل‌ونقل دارای استقلال عمل کامل در امر حمل کالا است. متصدی حمل‌ونقل می‌تواند از طریق حمل‌کننده دیگر، نسبت به جابه‌جایی کالا اقدام کند. بدین ترتیب مباشرت در حمل کالا شرط قرارداد حمل‌ونقل نیست؛ مگر اینکه این موضوع به صراحت در قرارداد ذکر شده باشد. در این خصوص به موجب ماده ۳۸۸ قانون تجارت، متصدی حمل‌ونقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل‌ونقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل‌ونقل کرده و یا حمل‌ونقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل‌ونقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

به موجب رأی وحدت رویه شماره ۲۹ مورخ ۲۸/۸/۱۳۶۳، اگر نماینده متصدی حمل‌ونقل دارای اختیارات و تعهدات متصدی باشد، زیان‌دیده می‌تواند علیه هر دو اقامه دعوا نماید. مثلاً شخصی ۱۰ تن چای به شرکت تیپاکس داده و این شرکت نیز شخص دیگری را مأمور حمل نموده و در راه مال تلف شده است. به موجب رأی وحدت رویه زیان‌دیده به هر دو حق مراجعه دارد اما قید مسئولیت تضامنی در قانون و رأی وحدت رویه ذکر نشده است. همچنین به موجب ماده ۳۸۸ قانون تجارت، اگر زیان‌دیده به شرکت تیپاکس مراجعه کند تیپاکس نیز می‌تواند به متصدی بعدی مراجعه کند.

**مثال ۳۲:** متصدی حمل‌ونقل، کار حمل را به دیگری واگذار نموده است. در صورت بروز حوادث، کدام مورد صحیح است؟ (وکالت ۹۵)

- (۱) شخصاً مسئول بوده و حق رجوع وی به متصدی بعدی محفوظ است. (۲) هیچ مسئولیتی نداشته و متصدی بعدی، مسئولیت مستقیم دارد.  
(۳) شخصاً مسئول بوده و نمی‌تواند به متصدی بعدی رجوع کند. (۴) با متصدی بعدی، متضامناً مسئول است.

**پاسخ:** گزینه «۱» ماده‌ی ۳۸۸ قانون تجارت در این باره مقرر داشته است که: «متصدی حمل‌ونقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل‌ونقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل‌ونقل کرده و یا حمل‌ونقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد». بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع امر به متصدی حمل‌ونقل که از جانب او مأمور شده محفوظ است. لذا باید گزینه (۱) را به عنوان گزینه درست انتخاب نمود. علت نادرستی گزینه (۴) این است که مسئولیت تضامنی برخلاف اصل نیازمند تصریح قانونگذار می‌باشد.

۴- عهدی	۱- لازم	}	اوصاف قرارداد حمل‌ونقل
۵- غیر معین	۲- معوض		
۶- اصولاً به موجب بارنامه منعقد می‌شود	۳- رضایی		

قرارداد حمل‌ونقل کالا قراردادی است که دارای اوصاف ذیل است:

**۱- عقد لازم:** یکی از اوصاف مهم قرارداد حمل‌ونقل لازم بودن آن است. هر چند برخی از حقوقدانان معتقدند که از ماده ۳۷۸ قانون تجارت جایز بودن استنباط می‌شود که در آنجا مقرر شده است «قرارداد حمل‌ونقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثنا شده باشد». آنان از تبعیت قرارداد حمل‌ونقل از احکام عقد وکالت جایز بودن ماهیت آن را استنباط کرده‌اند و بیان کرده‌اند که چنین قراردادی به فوت و حجر هریک از طرفین عقد منفسخ می‌گردد و همچنین هریک از طرفین قرارداد حمل‌ونقل می‌توانند هر زمان که مایل باشند این قرارداد را فسخ نمایند. اما با کمی دقت مشخص می‌شود که از مواد ۳۷۷ تا ۳۹۴ قانون تجارت به‌طور کلی جایز بودن قرارداد حمل‌ونقل استنباط نمی‌شود تا با مراجعه به مواد وکالت در قانون مدنی ماهیت قرارداد حمل‌ونقل را توصیف کنیم. اگر ماهیت قرارداد حمل‌ونقل وکالت دانسته شود، معضلاتی ایجاد می‌شود. با توجه به تعهدات طرفین قرارداد حمل‌ونقل و ثبات این قرارداد در معاملات بازرگانی و همچنین رویه بین‌المللی در کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز مقررات خاص، چنین قراردادی لازم است.

بدین ترتیب قرارداد حمل‌ونقل با فوت یا حجر یکی از طرفین از بین نمی‌رود و همچنان تعهدات طرفین پابرجاست. همچنین فسخ قرارداد به جز موارد پیش‌بینی شده در قوانین امکان‌پذیر نیست. در این خصوص نباید مطابق ماده ۳۸۲ قانون تجارت، چنین استنباط شود که حق استرداد کالا برای ارسال‌کننده کالا به معنای فسخ قرارداد است؛ بلکه حق استرداد صرفاً در شرایط خاص امکان‌پذیر است. در نهایت با توجه به تعریف قرارداد حمل‌ونقل متصدی باربری به اسم خودش و به‌طور مستقل عمل می‌کند؛ پس نباید ماهیت قرارداد حمل‌ونقل، وکالت فرض گردد که در وکالت اعطای نیابت در امور حقوقی است.

**۲- عقد معوض:** در این قرارداد متصدی حمل‌ونقل در مقابل عمل خود اجرت دریافت می‌کند. کما اینکه در ماده ۳۷۷ قانون تجارت به این موضوع صراحتاً اشاره شده است. این اجرت معمولاً با توافق طرفین تعیین می‌شود و چنین توافقی بر هر چیزی مقدم است. اما در فرض عدم تعیین اجرت، متصدی حمل‌ونقل مستحق دریافت اجرت‌المثل است. پس از طریق عرف تجاری میزان اجرت او تعیین می‌شود.

۳- **عقد رضایی:** وصف دیگر قرارداد حمل‌ونقل، عدم نیاز به تشریفات خاص در انعقاد آن مثل تنظیم سند رسمی است؛ بلکه به صرف داشتن ایجاب و قبول و نیز شرایط عمومی قراردادها در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، به‌طور صحیح قرارداد حق‌العمل کاری منعقد می‌شود. چنین قراردادی ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.

۴- **عقد عهدی:** به موجب قرارداد حمل‌ونقل برای طرفین قرارداد تعهد ایجاد می‌شود؛ نه اینکه موجب تملیک مال شود. بدین ترتیب متصدی حمل‌ونقل و نیز ارسال‌کننده کالا موظف به انجام وظایف قانونی و قراردادی می‌شوند و در عین حال هر یک از طرفین قرارداد مستحق حقوقی می‌شوند.

۵- **عقد غیر معین:** قرارداد حمل‌ونقل ماده ۱۰ قانون مدنی است و بین طرفین آن لازم‌الاتباع است. در واقع چنین قراردادی در قالب هیچ‌یک از عقود معین قانون مدنی یا تجارت نمی‌گنجد. با این توضیح که مطابق با ماده ۵۱۳ قانون مدنی قرارداد حمل‌ونقل تابع عقد اجاره اشخاص است. در حالی که ماهیت این دو با هم کاملاً متفاوت است. مهم‌ترین تفاوتی که می‌توان بدان اشاره کرد، آن است که متصدی حمل‌ونقل در حمل اشیاء یا ارائه خدمات دارای استقلال کامل است و تعهدات خود را به وسیله عوامل خود مستقلاً انجام می‌دهد. همچنین مطابق با ماده ۳۷۸ قانون تجارت، قرارداد حمل‌ونقل تابع مقررات و کالت خواهد بود مگر در مواردی که در مواد ۳۷۷ تا ۳۹۴ همین قانون بیان شده است. در این مورد در بند لازم بودن قرارداد حمل‌ونقل مطالب بیان شده است.

۶- **اصولاً قرارداد حمل‌ونقل به موجب بارنامه منعقد می‌شود:** بارنامه سند تجاری است که مالکیت کالای در حال حمل را مشخص می‌نماید. براساس بارنامه فرستنده کالا و گیرنده کالا و متصدی حمل‌ونقل و تکالیف آن‌ها مشخص می‌شود. همچنین در چنین سندی تمامی مشخصات محموله ذکر می‌گردد. هر چند وجود بارنامه دلالت بر انعقاد قرارداد حمل‌ونقل و تحویل کالا به متصدی حمل‌ونقل است، اما در حقوق ایران این امکان وجود دارد که بدون بارنامه قرارداد حمل‌ونقل منعقد شود.

**کلمه مثال ۳۳: قرارداد حمل‌ونقل اصولاً بین چه اشخاصی منعقد می‌شود؟** (سراسری ۹۶)

- ۱) متصدی حمل‌ونقل، مباشر حمل و ارسال‌کننده  
 ۲) متصدی حمل‌ونقل، ارسال‌کننده و مرسل‌الیه  
 ۳) مباشر حمل و ارسال‌کننده  
 ۴) متصدی حمل‌ونقل و ارسال‌کننده

**پاسخ:** گزینه «۴» از ماده‌ی ۳۷۹ به بعد قانون تجارت مشخص می‌شود که یک سمت قرارداد حمل‌ونقل ارسال‌کننده قرار دارد که باید شرایط قراردادی را رعایت کرده و مسائل مختلف را در نظر بگیرد پس می‌توان گفت قرارداد حمل‌ونقل میان متصدی حمل‌ونقل و ارسال‌کننده منعقد می‌شود. درحالی که نامی از مباشر حمل و مرسل‌الیه در این مواد دیده نمی‌شود و این دلیلی است بر رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ این سؤال.

## تکالیف ارسال‌کننده

قانونگذار علاوه بر تعیین تکالیفی برای متصدی حمل‌ونقل، تکالیفی را برای ارسال‌کننده مشخص کرده است که عدم رعایت هر کدام منجر به مسئولیت مدنی او می‌شود. بدین ترتیب ارسال‌کننده موظف به جبران خسارت وارده به شخص متضرر خواهد شد. تکالیف ارسال‌کننده بدین شرح می‌باشد:

### ۱- اطلاع‌رسانی دقیق محموله

ارسال‌کننده به موجب ماده ۳۷۹ قانون تجارت، باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل‌ونقل برساند. در غیر این صورت ارسال‌کننده در خصوص خسارات ناشیه از عدم تعیین این نکات یا تعیین آن‌ها به غلط، مسئولیت دارد. در این موارد متصدی حمل‌ونقل مسئولیتی در مورد خسارات وارده به محموله را نخواهد داشت. اطلاعات مربوط به محموله نه تنها نباید غلط باشد، بلکه باید به‌طور دقیق مشخص شده باشد.

- \* آدرس صحیح مرسل‌الیه
- \* محل تسلیم مال
- \* عده عدل یا بسته و طرز عدل‌بندی (بسته‌بندی)
- \* وزن و محتوی عدل‌ها یا بسته‌ها
- \* مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود
- \* راهی که حمل باید از آن راه به عمل آید
- \* قیمت اشیایی که گرانبهاست

### ۲- عدل‌بندی (بسته‌بندی) مناسب

ارسال‌کننده باید به طرز مناسب محموله را عدل‌بندی (بسته‌بندی) نماید و در صورتی که خسارتی ناشی از عیوب عدل‌بندی (بسته‌بندی) به محموله برسد، به موجب ماده ۳۸۰ قانون تجارت، خسارات آواری ناشی از عیوب عدل‌بندی برعهده ارسال‌کننده است. منظور از خسارات آواری در اینجا خسارت‌های وارده به کالا در جریان حمل‌ونقل می‌باشد. قانونگذار در مواد راجع به حمل‌ونقل کالا به جز ماده ۳۸۱ قانون تجارت، همیشه پس از خسارت آواری از عبارت خسارت بحری استفاده کرده است. به نظر می‌رسد که دلیل چنین موردی، شایع بودن خسارت در حمل‌ونقل دریایی است.

### ۳- پرداخت اجرت و مخارج حمل‌ونقل

ارسال‌کننده باید براساس قرارداد حمل‌ونقل حق‌الزحمه متصدی حمل‌ونقل را پرداخت کند. همچنین او مکلف به پرداخت تمامی مخارج حمل‌ونقل مثل هزینه بیمه یا پهلوی گرفتن در بندر و ... به متصدی حمل‌ونقل است. البته میزان هزینه حمل‌ونقل براساس ترم (مدل مورد پذیرش) حمل‌ونقل مشخص می‌شود. برای مثال ترم CIF به معنای آن است که هزینه دریانوردی، بیمه و کرایه کشتی برعهده ارسال‌کننده کالا است.

مطابق با ماده ۳۹۰ قانون تجارت، تا قبل از پرداخت اجرت و هزینه‌های متصدی حمل‌ونقل، مرسل‌الیه نمی‌تواند تحویل مال‌التجاره را تقاضا کند مگر اینکه مرسل‌الیه خود مبلغ مورد اختلاف را در صندوق دادگستری بسپارد تا متصدی بتواند آن را بردارد.

- تکالیف ارسال‌کننده
- ۱- اطلاع‌رسانی دقیق محموله
  - ۲- عدل‌بندی (بسته‌بندی) مناسب
  - ۳- پرداخت اجرت و مخارج حمل‌ونقل

## حق استرداد کالا توسط ارسال کننده

ارسال کننده به موجب قرارداد حمل و نقل با متصدی حمل و نقل دارای حق استرداد کالا می باشد. البته استرداد کالا باید با جمع شرایطی باشد. حق استرداد مختص ارسال کننده است و اشخاص دیگر مثل متصدی حمل و نقل یا مرسل الیه نمی توانند کالا را مسترد نمایند. به موجب ماده ۳۸۲ قانون تجارت «ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد» بدین ترتیب ارسال کننده با رعایت ۲ شرط زیر می تواند مال التجاره را از متصدی حمل و نقل مسترد دارد:

(۱) تا زمانی که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل باشد. یعنی تا زمانی که کالا به مرسل الیه تسلیم نشده است.

(۲) ارسال کننده مخارج و خسارات متصدی حمل و نقل را پرداخت نماید.

بنابراین قبل از وصول مال التجاره به مقصد و تا زمانی که متصدی تعهدی را در برابر مرسل الیه برعهده نگرفته حق استرداد باقی است. اما حق استرداد کالا دارای استثنائاتی است که براساس ماده ۳۸۳ قانون تجارت مشخص شده است. این استثنائات در موارد زیر موجب سلب حق استرداد کالا برای ارسال کننده می شود.

(۱) در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

(۲) در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس بدهد.

(۳) در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

(۴) در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد، مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد.

**کلمه مثال ۳۴:** ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی مزبور کرده و خسارات او، پس بگیرد مگر در صورتی که:

(۱) مال التجاره به مقصد نرسیده باشد.

(۲) بارنامه به مرسل الیه تسلیم نشده باشد.

(۳) قبل از وصول مرسل الیه ورشکسته شده باشد.

(۴) متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل بگیرد.

**پاسخ:** گزینه «۴» طبق ماده ۳۸۲ قانون تجارت: «ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد». هر چند بر این اصل استثنائاتی وجود دارد. با این توضیح که در مواردی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد. یا در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس بدهد و نیز در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد و در نهایت در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد، مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد، امکان استرداد محموله وجود ندارد.

## مسئولیت ارسال کننده کالا

ارسال کننده کالا دارای تکالیفی است که عدم اجرای هر کدام از آنها مثل عدم اطلاع رسانی در خصوص قیمت اشیای گران موجب مسئولیت او می شود. علاوه بر این قانونگذار، برای او در خصوص خسارت وارده نسبت به متصدی حمل و نقل مسئولیت پیش بینی کرده است. برای مثال اگر در اثر عدم انجام وظایف قانونی ارسال کننده به متصدی حمل و نقل خسارتی وارد آید، ارسال کننده باید جبران خسارت کند. برای مثال در اثر عیب محموله که ارسال کننده آن را مخفی کرده است، خسارتی به کشتی متصدی حمل و نقل برسد، ارسال کننده مسئول جبران خسارت متصدی حمل و نقل است. همچنین به موجب ماده ۳۸۴ قانون تجارت، مسئولیت عیب و نقص احتمالی در اثر عدم پذیرش مال التجاره از سوی مرسل الیه برعهده ارسال کننده کالا است. در صورتی که ارسال کننده، مطالبات متصدی حمل و نقل مثل اجرت یا مخارج حمل را پرداخت ننماید و یا متصدی حمل و نقل به مرسل الیه دسترسی نداشته باشد، متصدی حمل و نقل با اطلاع رسانی این وضعیت به ارسال کننده به عنوان شخص امین شناخته می شود. در این زمان هرگونه خسارت وارده به کالا برعهده ارسال کننده کالا است.

**کلمه مثال ۳۵:** مرسل الیه مال التجاره را قبول نکرده و متصدی حمل آن را در انبار خود نگه می دارد. در فرض تلف یا معیوب شدن کالا، مبنای مسئولیت متصدی حمل و نقل چیست؟

(۱) مسئولیت مطلق

(۲) فرض تقصیر

(۳) فرض مسئولیت

(۴) تعدی و تفریط

**پاسخ:** گزینه «۴» براساس ماده ۳۸۴ قانون تجارت در فرض مورد سؤال که مرسل الیه مال التجاره را قبول نمی کند، متصدی حمل و نقل با نگهداری آن در انبار خود، امین طرفین محسوب می شود و براساس قاعده، امین مسئول خسارت وارده به مال نیست، مگر اینکه تعدی و تفریط کند. در واقع متصدی حمل و نقل نسبت به حفاظت از کالا، امین محسوب می شود و تنها با اثبات تقصیرش، نسبت به خسارات وارده به کالا مسئولیت دارد. در مقابل او نسبت به حمل و نقل کالا دارای تعهد به نتیجه است و در مسیر حمل و نقل، فرض بر تقصیر متصدی حمل و نقل می شود، در صورتی که خساراتی به محموله وارد آید.

## تعهدات متصدی حمل و نقل

متصدی حمل و نقل به عنوان شخص متعهد در برابر ارسال کننده دارای تعهداتی است که عدم اجرای هر کدام از آن‌ها منجر به مسئولیت او می‌شود. برخی از این تعهدات، به نحوی است که با احراز تقصیر متصدی، منجر به مسئولیت او می‌شود و در مقابل برخی از این تعهدات به نحوی مقرر شده است که به صرف رسیدن به نتیجه مورد نظر ارسال کننده، منجر به مسئولیت متصدی حمل و نقل می‌شود.


### ۱- تعهد به تحویل سالم و به موقع کالا

بر اساس هر قرارداد حمل و نقلی متصدی حمل و نقل، متعهد به تحویل سالم و به موقع کالا است. عدم رعایت هر کدام از این تعهدات منجر به مسئولیت متصدی حمل و نقل می‌شود. به عبارت دیگر در صورتی که متصدی حمل و نقل در رسانیدن کالا تأخیر داشته باشد یا اینکه محموله را به طور معیوب و یا همراه با خسارات به مقصد برساند، متصدی حمل و نقل مسئول شناخته می‌شود. متصدی حمل و نقل تا زمانی که کالا را به مقصد نرساند، مستحق دریافت اجرت نیست. در واقع نوع تعهد او از اقسام تعهد به نتیجه است. در تعهد به نتیجه، صرف عدم نتیجه مطلوب در قرارداد حمل و نقل، خود خطای متعهد را ثابت می‌کند و وی با اثبات عدم رابطه سببیت میان ضرر وارده و افعال وی از مسئولیت مدنی رها شده می‌شود. در این حالت متصدی حمل و نقل می‌تواند با اثبات حادثه‌ای خارج از اراده وی که عبارت است از قوه ی قاهره، تقصیر متعهدله، تقصیر ثالث و نیز حادثه غیر مترقبه مسئولیتی نخواهد داشت.

### ۲- تعهد به حفاظت و نگهداری از کالا


تعهد دیگر متصدی حمل و نقل، ناظر به تهیه مقدمات لازم و نیز کوشش و احتیاط برای حفاظت و نگهداری از کالا است. او در این زمینه دارای تعهد به وسیله است. یعنی متصدی حمل و نقل باید تمامی نکات لازم در جهت ایمنی کالا را انجام دهد. برای مثال باید با توجه به نوع مسیر و شرایط آب و هوایی از وسیله مناسب حمل استفاده نماید. البته نیازی نیست که حتماً این قضیه در قرارداد حمل و نقل ذکر شود؛ بلکه به حکم عرف تجاری حمل و نقل چنین تعهدی به طور ضمنی در قراردادهای حمل و نقل وجود دارد. زمانی که سخن از تعهد به وسیله متصدی حمل و نقل می‌شود، متصدی حمل و نقل در خصوص خسارت وارده به مال التجاره مسئول نیست، مگر اینکه اثبات شود که او دارای تقصیر بوده است.

جلوه‌ای از این تعهد زمانی متبلور می‌شود که کالا به مقصد برسد و متصدی حمل و نقل با امتناع مرسل‌الیه در دریافت کالا روبه‌رو شود. از آنجایی که تحویل دادن مال التجاره عمل حقوقی است که با انجام آن، مسئولیت متصدی حمل و نقل به پایان می‌رسد، در فرض امتناع مرسل‌الیه، متصدی حمل و نقل با اطلاع‌رسانی این موضوع به ارسال کننده، بر اساس ماده ۳۸۴ قانون تجارت، به طور موقت مال التجاره را نزد خویش به طور امانت نگه می‌دارد. در صورتی که به مال التجاره خسارتی برسد، در این حالت اصل بر امانت متصدی حمل و نقل است و متصدی حمل و نقل در فرض تقصیر و اثبات این موضوع مسئول به جبران خسارت است.

 **نکته ۱۰:** در قانون مدنی تعهدات متصدیان حمل و نقل صرفاً از اقسام تعهد به وسیله توصیف شده است و در قانون تجارت تعهدات متصدیان حمل و نقل، از اقسام تعهد به نتیجه مقرر شده است. در جهت رفع تعارض ظاهری این دو، به طور کلی تعهد متصدی حمل و نقل در خصوص رسانیدن سالم کالا به مقصد تعهد به نتیجه است و در صورت به مقصد رسیدن کالا و اطلاع به مرسل‌الیه تعهد وی از این به بعد، تعهد به وسیله می‌شود. به عبارت دیگر، تعهد متصدی حمل و نقل بر حمل و نقل کالا، تعهد به نتیجه است، اما در مورد حفاظت از کالا تعهد به وسیله می‌باشد.

### ۳- فروش اموال با اطلاع و نظارت دادستان

متصدی حمل و نقل در خصوص اموال متعهد به حفاظت از ارزش و سلامت آن هست. به همین دلیل فروش اموال دیگری توسط متصدی حمل و نقل تنها در شرایط خاص جایز است تا از طریق فروش اموال، جلوی خسارت بیشتر به صاحب کالا گرفته شود. با توجه به فلسفه اجازه فروش کالای دیگری توسط متصدی حمل و نقل، تنها فروش اموالی که در معرض خرابی سریع هستند مانند سبزیجات یا برخی از میوه‌ها ممکن است. در این شرایط قبل از فروش کالا تا جایی که ممکن است، موضوع خرابی کالا باید به اطلاع ارسال کننده و مرسل‌الیه برسد. در هر صورت فروش این اموال با اطلاع و نظارت دادستان به عمل می‌آید تا مصلحت صاحب کالا رعایت گردد. همچنین متصدی حمل و نقل در شرایطی که مخارج نگهداری اموال ارسال کننده در مقایسه با حاصل فروش آن بی‌ارزش باشد، می‌تواند با نظارت دادستان نسبت به فروش اموال اقدام نماید. در این مورد ماده ۳۸۵ قانون تجارت، مقرر شده است: «اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی‌العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش برساند. حتی المقدور ارسال کننده و مرسل‌الیه را باید از اینکه مال التجاره به فروش خواهد رسید مسبق نمود».

 **نکته ۱۱:** اصولاً متصدی حمل و نقل مکلف است عملیات فروش را به اطلاع ارسال کننده و مرسل‌الیه برساند مگر آنکه اطلاع‌رسانی امکان‌پذیر نباشد. برای مثال به دلیل بعد مسافت، اطلاع‌رسانی به این اشخاص منجر به خرابی قطعی مال التجاره شود.

### ۴- اطلاع‌رسانی در خصوص رسیدن مال التجاره به مقصد

به موجب ماده ۳۸۹ قانون تجارت «متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره، مرسل‌الیه را مستحضر نماید». این اطلاع‌رسانی منجر به ایجاد حق تحویل گرفتن کالا توسط مرسل‌الیه می‌شود. در واقع او به عنوان شخص ثالث از قرارداد حمل و نقل منتفع می‌شود. همچنین چنین اطلاع‌رسانی به ارسال کننده یا مرسل‌الیه منجر به سلب حق استرداد کالا توسط ارسال کننده می‌شود.

## ضمیمه ۱

## قانون چک اصلاحی مصوب ۱۳۹۷

## قانون صدور چک

مصوب: ۱۳۵۵/۴/۱۶

با اصلاحات مصوب: ۱۳۷۲/۱۱/۸

و اصلاحات مصوب: ۱۳۸۲/۶/۲

و اصلاحات جدید مصوب: ۱۳۹۷/۸/۱۳

ماده (۱) - انواع چک عبارت است از:

۱- چک عادی، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادرکننده آن ندارد.

۲- چک تأیید شده، چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می شود.

۳- چک تضمین شده، چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود.

۴- چک مسافرتی، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هریک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

**تبصره -** قوانین و مقررات مرتبط با چک حسب مورد، راجع به چکهایی که به شکل الکترونیکی (داده پیام) صادر می شوند نیز لازم الرعایه است. بانک مرکزی مکلف است ظرف مدت یک سال پس از لازم الاجراء شدن این قانون، اقدامات لازم درخصوص چکهای الکترونیکی (داده پیام) را انجام داده و دستورالعملهای لازم را صادر نماید (اصلاحی ۱۳۹۷).

**ماده (۲) -** چکهای صادر عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور در حکم اسناد لازم الاجراء است و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی مانده آن را از صادرکننده وصول نماید.

برای صدور اجرائیه دارنده چک باید عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد.

دارنده چک اعم از کسی است که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در مورد چکهای در وجه حامل) یا قائم مقام قانونی آنان.

**تبصره -** دارنده چک می تواند محکومیت صادرکننده را نسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیماً و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است، اعم از آنکه قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نماید.

**ماده (۳) -** صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.

**ماده ۳ مکرر -** چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.

**ماده (۴) -** هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده (۲) پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنابر درخواست دارنده چک فوراً غیرقابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهی نامه ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهی نامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

در برگ مزبور باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد (اصلاحی سال ۹۷).



**ماده ۵) -** در صورتی که موجودی حساب صادرکننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجودی در حساب را به دارنده چک بپردازد و دارنده با قید مبلغ دریافت شده پشت چک، آن را به بانک تسلیم نماید. بانک مکلف است بنابه درخواست دارنده چک فوراً کسری مبلغ چک را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی وارد نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهی‌نامه‌ای با مشخصات مذکور در ماده قبل، آن را به متقاضی تحویل دهد. به گواهی‌نامه فاقد کد رهگیری در مراجع قضایی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی‌شود.

چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده، بی‌محل محسوب و گواهی‌نامه بانک در این مورد برای دارنده چک، جانشین اصل چک می‌شود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید (اصلاحی سال ۹۷).

**ماده ۵ مکرر- بعد از ثبت غیرقابل پرداخت بودن یا کسری مبلغ چک در سامانه یکپارچه بانک مرکزی، این سامانه مراتب را به صورت برخط به تمام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اطلاع می‌دهد. پس از گذشت بیست و چهار ساعت کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حسب مورد مکلفند تا هنگام رفع سوء اثر از چک، اقدامات زیر را نسبت به صاحب حساب اعمال نمایند:**

الف - عدم افتتاح هرگونه حساب و صدور کارت بانکی جدید؛ ب - مسدود کردن وجوه کلیه حساب‌ها و کارت‌های بانکی و هر مبلغ متعلق به صادرکننده که تحت هر عنوان نزد بانک یا مؤسسه اعتباری دارد به میزان کسری مبلغ چک به ترتیب اعلامی از سوی بانک مرکزی؛ ج - عدم پرداخت هرگونه تسهیلات بانکی یا صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی یا ریالی؛ د - عدم گشایش اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی

تبصره ۱- چنانچه اعمال محرومیت‌های مذکور در بندهای (الف)، (ج) و (د) در خصوص بنگاه‌های اقتصادی با توجه به شرایط، اوضاع و احوال اقتصادی موجب اختلال در امنیت اقتصادی استان مربوط شود، به تشخیص شورای تأمین استان موارد مذکور به مدت یک سال به حالت تعلیق درمی‌آید. آیین‌نامه اجرایی این تبصره با در نظر گرفتن معیارهایی مانند میزان تولید و صادرات بنگاه و تعداد افراد شاغل در آن ظرف مدت سه ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۲- در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌گردد مگر اینکه در مرجع قضایی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی او است. بانک‌ها مکلفند به هنگام صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهی‌نامه مذکور درج نمایند.

تبصره ۳- در هریک از موارد زیر، بانک مکلف است مراتب را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی اعلام کند تا فوراً و به صورت برخط از چک رفع سوءاثر شود: الف - واریز کسری مبلغ چک به حساب جاری نزد بانک محال‌علیه و ارائه درخواست مسدودی که در این صورت بانک مکلف است ضمن مسدود کردن مبلغ مذکور تا زمان مراجعه دارنده چک و حداکثر به مدت یک سال، ظرف مدت سه روز واریز مبلغ را به شیوه‌ای اطمینان‌بخش و قابل استناد به اطلاع دارنده چک برساند. ب - ارائه لاشه چک به بانک محال‌علیه؛

ج - ارائه رضایت‌نامه رسمی (تنظیم‌شده در دفاتر اسناد رسمی) از دارنده چک یا نامه رسمی از شخص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی دارنده چک؛

د - ارائه نامه رسمی از مرجع قضایی یا ثبتی ذی‌صلاح مبنی بر اتمام عملیات اجرایی در خصوص چک؛

ه - ارائه حکم قضایی مبنی بر براءت ذمه صاحب حساب در خصوص چک؛

و - سپری شدن مدت سه سال از تاریخ صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت مشروط به عدم طرح دعوی حقوقی یا کیفری در خصوص چک توسط دارنده.

تبصره ۴- چنانچه صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت طبق ماده (۱۴) این قانون و تبصره‌های آن باشد، سوءاثر محسوب نخواهد شد. تبصره ۵ - بانک یا مؤسسه اعتباری حسب مورد مسئول جبران خساراتی خواهند بود که از عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده و تبصره‌های آن به اشخاص ثالث وارد گردیده است.

**ماده ۶) -** بانک‌ها مکلفند برای ارائه دسته چک به مشتریان خود، صرفاً از طریق سامانه صدور یکپارچه چک (صیاد) نزد بانک مرکزی اقدام نمایند. این سامانه پس از اطمینان از صحت مشخصات متقاضی با استعلام از سامانه نظام هویت‌سنجی الکترونیکی بانکی و نبود ممنوعیت قانونی، حسب مورد نسبت به دریافت گزارش اعتباری از سامانه ملی اعتبارسنجی موضوع ماده (۵) «قانون تسهیل اعطای تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶/۴/۵» یا رتبه‌بندی اعتباری از مؤسسات موضوع بند (۲۱) ماده (۱) «قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱» اقدام نموده و متناسب با نتایج دریافتی، سقف اعتبار مجاز متقاضی را محاسبه و به هر برگه چک شناسه یکتا و مدت اعتبار اختصاص می‌دهد. حداکثر مدت اعتبار چک از زمان دریافت دسته چک سه سال است و چکهایی که تاریخ مندرج در آنها پس از مدت اعتبار باشد، مشمول این قانون نمی‌شوند. ضوابط این ماده از جمله شرایط دریافت دسته چک، نحوه محاسبه سقف اعتبار و موارد مندرج در برگه چک مانند هویت صاحب حساب مطابق دستورالعملی است که ظرف مدت یک‌سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.

تبصره ۱- بانک‌ها و سایر اشخاصی که طبق قوانین یا مقررات مربوط، اطلاعات مورد نیاز اعتبارسنجی یا رتبه‌بندی اعتباری را در اختیار مؤسسات مربوط قرار می‌دهند، مکلف به ارائه اطلاعات صحیح و کامل می‌باشند.

## قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی

مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸

### مبحث اول - سازمان اداره تصفیه

**ماده ۱-** در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تأسیس می‌نماید و در این مورد عضو ناظر تعیین نخواهد شد.

**ماده ۲-** رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن است از بین خدمتگزاران قضایی یا اداری یا از غیر خدمتگزاران دولت انتخاب شوند. اداره تصفیه به قدر لزوم کارمند خواهد داشت.

**ماده ۳-** موارد رد رئیس و قائم‌مقام او و محاسبین اداره تصفیه همان است که در رد دادرس در اصول محاکمات حقوقی ذکر شده است و در صورتی که کارمندی این ایراد را موجه بداند رئیس، کارمند دیگری را برای این کار مأموریت می‌دهد و چنانچه کارمند ایراد را رد کند قبول یا رد ایراد به نظر رئیس است.

در مواردی که کارمند خود را مردود می‌داند از هر گونه اقدامی خودداری کرده و مراتب را به رئیس اطلاع داده امر او را به موقع اجرا می‌گذارد. در صورتی که رئیس مردود شود کارمند مقدم اداره وظایف او را انجام خواهد داد و چنانچه رئیس ایراد رد را نسبت به خود قبول ننماید تعیین تکلیف با دادگاه است.

**ماده ۴-** هرگاه کارکنان اداره تصفیه یا کسانشان تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت به دارایی ورشکسته به نفع خود طرف معامله واقع شوند آن معامله باطل است و متخلف تعقیب انتظامی خواهد شد.

**ماده ۵-** مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه دادگاهی است که حکم توقف را صادر کرده ضمن اینکه شکایت به هیچ وجه جریان کار را متوقف نمی‌کند مگر در موارد مهم که عمل مورد شکایت جریان‌ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری بدهد در این صورت دادگاه مکلف است خارج از نوبت و در جلسه اداری به شکایت رسیدگی کرده تصمیم خود را اعلام دارد و در سایر موارد دادگاه در صورت موجه تشخیص دادن شکایت دستور لازم به اداره تصفیه می‌دهد و به اقتضای مورد ممکن است عمل اداره تصفیه را باطل نماید.

**ماده ۶-** استرداد وجوهی که توسط اداره تصفیه به صندوق دادگستری محل یا صندوق اداره تصفیه تسلیم می‌شود به حواله دو نفر از کارکنان اداره تصفیه که مجاز از طرف وزارت دادگستری باشند خواهد بود.

**ماده ۷-** کلیه عملیات اداره تصفیه و تقاضاها و اعلاماتی که به آن اداره می‌شود باید در صورت‌مجلس نوشته شود.

**ماده ۸-** همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود.

**ماده ۹-** در صورتی که اموال تاجر ورشکسته واقع در حوزه دادگاه دیگری باشد اداره می‌تواند اقداماتی را که لازم است از اداره تصفیه محل چنانچه در محل موجود باشد وگرنه از دادگاه آن محل یا مأمور دیگری که تعیین می‌کند بخواهد.

**ماده ۱۰-** اداره تصفیه می‌تواند از اداره پست، تلگراف و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگ‌ها و بسته‌هایی که به عنوان توقف فرستاده می‌شود یا از طرف متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد، متوقف می‌تواند در موقع باز کردن برگ‌ها و پاکت‌ها و بسته‌ها حضور داشته باشد.

**ماده ۱۱-** اداره تصفیه در صورت لزوم می‌تواند برای اقدامات تأمینیه بدوی به اعتبار دارایی موجود ورشکسته استقراض نماید.

**ماده ۱۲-** وظایف اداره تصفیه در این قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه به آن که وزارت دادگستری تهیه می‌کند تعیین می‌شود و در موارد سکوت برطبق قانون تجارت اقدام خواهد شد.

### مبحث دوم - اقدامات تأمینیه اداره تصفیه

**ماده ۱۳-** همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد و رونوشت آن به اداره تصفیه رسید اداره صورتی از اموال ورشکسته برداشته اقدامات لازمه را از قبیل مهروموم برای حفظ آنها به عمل می‌آورد.

**ماده ۱۴-** ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی نموده و در تحت اختیار آن بگذارد وگرنه به مجازات از سه ماه تا شش ماه زندان تأدیبی محکوم خواهد شد.

اگر ورشکسته فوت نموده یا فراری باشد ورثه و شرکا و خدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند این تکلیف را خواهند داشت وگرنه به همین مجازات محکوم خواهند شد.

اداره اشخاص نامبرده را از این تکلیف آگاه کرده و مجازاتی که برای خودداری آن‌ها معین شده تذکر می‌دهد.

**ماده ۱۵-** اداره تصفیه اقدام به بستن و مهروموم نمودن انبارها، مغازه‌ها، کالا، کارخانجات می‌نماید مگر این که بتواند تحت نظارت خود آن‌ها را اداره نماید. اداره به وسایل مقتضی اقدام به حفاظت پول نقد، برگ‌های بهادار، دفاتر تجاری، دفاتر شخصی و هر چیز قیمتی دیگر می‌نماید.

و سایر اموال را تا وقتی که صورت آن‌ها برداشته نشده مهر و موم نموده و مهروموم تا موقعی که اداره آن را لازم بداند باقی خواهد ماند به علاوه اقدام به حفظ اشیایی که در خارج از محل اقامت ورشکسته است خواهد نمود.

**ماده ۱۶ -** مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جزء صورت اموال قید خواهد شد.

**ماده ۱۷ -** اشیایی که متعلق به اشخاص ثالث بوده و یا اشخاص ثالث نسبت به آن‌ها اظهار حقی می‌نمایند در صورت اموال قید شده مراتب ضمن صورت ذکر خواهد شد.

**ماده ۱۸ -** اداره تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیر منقول ورشکسته که مستند به اسناد رسمی است معلوم کرده ضمن صورت اموال قید نماید.

**ماده ۱۹ -** کلیه اشیایی که در صورت قید شده باید ارزیابی شود.

**ماده ۲۰ -** صورتی که به این ترتیب تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او سؤال می‌شود که آن را صحیح و کامل می‌داند یا خیر. پاسخ ورشکسته در صورت قید شده و به امضای او می‌رسد.

**ماده ۲۱ -** متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد. در صورت اقتضاء اداره تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از دادگاه می‌خواهد.

رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به عمل می‌آید. ورشکسته می‌تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یک بار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف شکایت نموده و رفع آن را بخواهد.

اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب‌التفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می‌دهد به او بدهند و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده‌اش می‌توانند در خانه‌ای که بوده‌اند سکنی نمایند.

**ماده ۲۲ -** هرگاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی و قید می‌شود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً درخواست اجرای اصول ورشکستگی را در ظرف مدت ده روز ننموده و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت.

### مبحث سوم - دعوت بستانکاران

**ماده ۲۳ -** اگر به نظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آن‌ها برداشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره اقدام به تصفیه اختصاری می‌نماید مگر اینکه یکی از بستانکاران درخواست کند که کار بر طبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا نموده و هزینه آن را قبلاً بدهند.

در مورد تصفیه اختصاری اداره آگهی می‌کند که در ظرف چهل روز هر کس هرگونه ادعایی دارد بنماید و سپس به هر ترتیب که منابع بستانکاران اقتضاء می‌کند بدون رعایت تشریفات اقدام به فروش اموال نموده حاصل آن را بین آنان تقسیم و ختم عمل تصفیه را اعلام می‌دارند.

در سایر موارد به طریق عادی بر طبق مواد زیر اقدام خواهد شد:

**ماده ۲۴ -** اداره تصفیه آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می‌نماید:

- ۱- تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (در صورتی که در حکم دادگاه تعیین شده باشد).
- ۲- اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند به اینکه ادعای خود را در ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را (اصل بارونوشت گواهی شده) به اداره تسلیم دارند. اداره می‌تواند این مدت را برای کسانی که در خارجه اقامت دارند تمدید نماید.
- ۳- اخطار به بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار به جریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع (صندوق ب) مذکور در ماده ۵۴ محکوم خواهند شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا شش ماه نیز محکوم نماید.
- ۴- اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آن‌ها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند وگرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آن‌ها سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند.
- ۵- دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتهی در ظرف بیست روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می‌توانند در جلسه حضور به هم رسانند.

**ماده ۲۵ -** آگهی در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار دوبار به فاصله ده روز منتشر خواهد شد، نسخه‌ای از این آگهی برای هر یک از بستانکاران که شناخته شده است فرستاده می‌شود.

### مبحث چهارم - اداره اموال

**ماده ۲۶ -** اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یک نفر از کارمندان اداره تشکیل می‌شود و اداره گزارشی راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به متوقف را برای بستانکاران می‌خواند.

**ماده ۲۷ -** بستانکاران می‌توانند پیشنهاداتی راجع به ادامه جریان کار بازرگانی یا حرفه مربوط به متوقف بنمایند ولی تصمیم با اداره تصفیه است و به‌طور کلی اداره تصفیه نماینده منافع هیئت بستانکاران می‌باشد.

**ماده ۲۸ -** اداره تصفیه نسبت به اشیایی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است تصمیم مقتضی اتخاذ نموده و اگر آن‌ها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن می‌نماید وگرنه ده روز به ایشان مهلت می‌دهد که در دادگاه صلاحیت‌دار اقامه دعوی نمایند کسی که در ظرف ده روز به دادگاه صلاحیت‌دار رجوع ننماید دیگر دعوی او مسموع نخواهد بود.

**ماده ۲۹ -** اداره تصفیه اقدام به وصول مطالبات می‌نماید و در صورت ضرورت برای وصول آن اقامه دعوی خواهد کرد.

اشیایی که در معرض تنزل قیمت بوده و یا نگهداری آن‌ها هزینه غیر متناسبی را ایجاد می‌نماید بدون تأخیر فروخته خواهد شد.

همچنین اقدام به فروش اوراق بهادار (بورسی) و یا اشیایی که در بازار قیمت معینی دارند به عمل خواهد آورد سایر اموال به ترتیبی که بعداً ذکر خواهد شد فروخته می‌شود.



**مبحث پنجم - رسیدگی به مطالبات**

**ماده ۳۰-** پس از انقضای موعده مقرر برای ارائه اسناد اداره به مطالبات رسیدگی نموده تصدیق یا رد می‌نماید و جلب نظر متوقف را در صورتی که در دسترس او باشد خواهد کرد و اداره مکلف نیست به اظهارات او ترتیب اثر دهد.

**ماده ۳۱-** اداره برای رسیدگی و در صورت لزوم می‌تواند ابراز دفاتر بستانکار را بخواهد.

**ماده ۳۲-** مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه ملکی دارند باید منظور شود هر چند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

**ماده ۳۳-** پس از انقضای موعده ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلبهایی که حق رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهند نمود.

**ماده ۳۴-** بستانکارانی که مردود شده‌اند با ذکر دلیل رد ضمن این صورت قید می‌شوند.

**ماده ۳۵-** این صورت از طریق آگهی به اطلاع بستانکاران خواهد رسید. و در اختیار کسانی که ادعای حقی نسبت به متوقف می‌نمایند گذاشته می‌شود.

به بستانکاران مردود و همچنین به بستانکارانی که حق رجحان برای خود قائل بوده و اداره به ادعای آن‌ها ترتیب اثر نداده است مستقیماً مراتب اعلام خواهد شد.

**ماده ۳۶-** هر کس نسبت به این صورت اعتراض داشته باشد در ظرف ۲۰ روز از انتشار آگهی حق دارد در دادگاه صادرکننده حکم توقف اقامه دعوی کند.

اگر معترض ادعا کند که طلب او بی‌مورد رد شده یا کسر گردیده و یا حق رهن و یا رجحان او منظور نشده دعوی بر علیه اداره اقامه می‌شود و اگر طلب با حق رجحان کسی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوی بر علیه بستانکار اقامه خواهد شد. در صورتی که دعوای اخیر به نتیجه رسیده و حکم به رد طلبی صادر شود سهمی که تخصیص به آن داده شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی به او اختصاص پیدا خواهد کرد و مازاد بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد شد. در مورد این ماده دادرسی به طریق اختصاری و فوری به عمل خواهد آمد.

**ماده ۳۷-** اسنادی که در ارائه آن‌ها تأخیر شده در صورتی که عذر موجهی در بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول می‌شود ولی هزینه‌ای که در اثر این تأخیر پیش آمده برعهده مدعی طلب است. اگر اداره سندی را که ابراز شده قبول کرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می‌نماید و سایر بستانکاران را نیز به وسیله آگهی مطلع می‌سازد.

**مبحث ششم - تصفیه**

**ماده ۳۸-** پس از رسیدگی مطالبات بستانکارانی که یک قسمت یا تمام طلب آن‌ها مورد قبول واقع شده به وسیله اخطاریه در جلسه دعوت می‌شوند و اگر درخواست قرارداد ارفاقی هم شده باشد مراتب ضمن دعوتنامه قید می‌شود.

**ماده ۳۹-** اداره گزارش کاملی نسبت به وضعیت دارایی و مطالبات متوقف داده نظریات متوقف و بستانکاران را استماع نموده در صورت مجلس ذکر می‌کند ولی تصمیم با خود اداره است مگر در مورد قرارداد ارفاقی و صرف نظر کردن از دعوای مشکوک.

**ماده ۴۰-** اموال متوقف به ترتیب مزایده فروخته می‌شود. در موارد زیر ممکن است به طریق غیرمزایده اقدام به فروش اموال کرد.

(۱) اگر هیئتی از بستانکاران که دارای شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت باشند به این ترتیب رضایت بدهند.

(۲) وقتی که مال در (بورس) و یا در بازار قیمت معینی دارد، اشیاء مورد وثیقه را نمی‌توان به طریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستانکارانی که نسبت به آن‌ها حق وثیقه دارند جلب شود.

**ماده ۴۱-** شرایط فروش لاقبل ده روز قبل از مزایده در دفتر اداره در دسترس عموم گذارده خواهد شد و هر کس می‌تواند اطلاعات لازمه را کسب نماید. آگهی فروش شامل مکان، روز و ساعت مزایده خواهد بود و در مورد اموال غیر منقول این آگهی یک ماه قبل از اقدام به فروش به عمل می‌آید.

برای بستانکارانی که حق وثیقه غیر منقول دارند نسخه‌ای از آگهی فرستاده شده و ارزیابی که به عمل آمده به آن‌ها اعلام خواهد گردید.

**ماده ۴۲-** اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراجچی به کسی که حداکثر را پیشنهاد کرده است واگذار می‌شود. همین ترتیب نسبت به اموال غیر منقول رعایت می‌گردد مشروط بر اینکه پیشنهاد به بهای ارزیابی شده برسد و در صورت نبودن پیشنهاد مکفی فروش متوقف می‌ماند و وقت دیگری برای مزایده معین می‌شود. در مرتبه دوم که باید لاقبل دو ماه پس از مزایده اول به عمل آید اموال غیر منقول به کسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌نماید واگذار خواهد شد.

**ماده ۴۳-** اشیاء سیم و زر نباید به بهای کمتر از بهای فلزی آن‌ها به فروش برسد.

**ماده ۴۴-** اداره تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید.

اداره می‌تواند پرداخت بها را نقد یا به موعده قرار بدهد. موعده هیچ‌گاه از سه ماه نباید تجاوز کند. تسلیم در مورد مال منقول و انتقال قطعی در مورد مال غیر منقول نباید قبل از پرداخت بها صورت بگیرد. در مورد پرداخت نقدی یک روز مهلت جایز است.

اگر پرداخت در موعده مقرر انجام نگیرد مزایده جدید به عمل آمده در هر حال پیشنهاد دهنده سابق مسئول کسر قیمت و سایر خسارات وارده خواهد بود.

**ماده ۴۵-** اگر در هیئت بستانکاران شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت جمع باشد می‌توانند از دعوایی که نتیجه آن مشکوک است صرف نظر نمایند.

هر بستانکاری می‌تواند درخواست کند که آن دعوی به او واگذار شود. در این مورد حاصل فروش مالی که از این راه به دست می‌آید در حدود طلبی که دارد به درخواست‌کننده تعلق گرفته و مازاد آن متعلق به سایر بستانکاران خواهد بود.

**مبحث هفتم - تقسیم وجوه حاصله از فروش**

**ماده ۴۶-** وقتی که پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارایی و حساب نهایی آن تنظیم خواهد نمود.

هزینه توقف که به موجب آیین‌نامه تعیین می‌شود و هزینه تصفیه قبلاً موضوع می‌شود صورت تقسیم و حساب نهایی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به اطلاع آن‌ها خواهد رسید به علاوه خلاصه‌ای از صورت مربوط به سهم هر یک برای آن‌ها فرستاده خواهد شد.

**ماده ۴۷ -** پس از انقضای مدت نامبرده اداره مبادرت به پرداخت سهام هر یک می‌نماید. بستانکاری که کاملاً به حق خود می‌رسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخته می‌شود مراتب در سند قید می‌گردد. در مورد فروش غیر منقول اقداماتی که در دفتر املاک لازم است از طرف اداره به عمل می‌آید. اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می‌بایست تأدیه گردد سهمیه مربوط به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد. پس از پرداخت سهمیه اداره به هریک از بستانکارانی که حقوق آن‌ها کاملاً تأدیه نشده است سند عدم کفایت دارایی می‌دهد بستانکار فقط در مورد ملات و ورشکسته می‌تواند به موجب سند بقیه طلب خود را ادعا نماید.

**ماده ۴۸ -** تقسیم موقت سهام فقط پس از انقضاء مدت مذکور در ماده ۳۶ ممکن است به عمل آید. به بستانکارانی که جزء صورت نیامده‌اند سند عدم کفایت دارایی داده خواهد شد.

### مبحث هشتم - خاتمه ورشکستگی

**ماده ۴۹ -** پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد. هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق به متوقف کشف شود اداره آن‌ها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را بدون هیچگونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهمیه‌هایی که به مناسبت مشکوک بودن طلب به ودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آن‌ها مجاز خواهد شد به همین ترتیب اقدام می‌گردد.

**ماده ۵۰ -** ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن به اداره تصفیه در ظرف هشت ماه تصفیه گردد. هنگام ضرورت رئیس دادگاه استان می‌تواند این مدت را تمدید نماید.

### مبحث نهم - مقررات مالی

**ماده ۵۱ -** اداره تصفیه دارای دو صندوق است - صندوق (الف) و صندوق (ب)

**ماده ۵۲ -** درآمد صندوق (الف) عبارت از وجوهی است که به عنوان هزینه امور ورشکستگی دریافت می‌شود این درآمد به موجب آیین‌نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

**ماده ۵۳ -** درآمد صندوق (الف) به مصرف سازمان و برداشت هر گونه هزینه که اداره تصفیه برای تصفیه امور ورشکستگی لازم داشته باشد خواهد رسید.

**ماده ۵۴ -** درآمد صندوق (ب)

۱- ۲۵٪ به حقوقی که به موجب قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون تجارت برای اعضاء دفاتر تجاری تعلق می‌گیرد اضافه شده و این اضافه به صندوق (ب) متعلق است.

۲- از مبلغ موضوع اعتراض‌نامه که به موجب ماده ۲۹۳ قانون تجارت تنظیم می‌شود از قرار هر ده ریالی ده دینار گرفته شده که نصف آن جزء درآمد عمومی کشور منظور و نصف دیگر آن متعلق به صندوق (ب) خواهد بود.

**ماده ۵۵ -** هریک از دو صندوق نامبرده دارای شخصیت حقوقی بوده و صندوق (الف) می‌تواند از صندوق (ب) در صورت اقتضاء وام بگیرد، وزارت دادگستری نسبت به آن دو نظارت تام خواهد داشت.

**ماده ۵۶ -** درآمدهای دو صندوق جزء درآمد بودجه عمومی کشور منظور نخواهد شد. وصول و مصرف آن مشمول هیچ‌یک از مقررات مالی اعم از قوانین و غیر آن نخواهد بود.

**ماده ۵۷ -** ترتیب وصول درآمد و نظارت هزینه این دو صندوق به موجب آیین‌نامه که وزارت دادگستری تعیین می‌کند معین خواهد شد.

### مبحث دهم - مقررات مخصوص

**ماده ۵۸ -** بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند. طلب‌هایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقی‌مانده طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدم هستند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود.

#### طبقه اول

الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف.

ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف.

ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طلب اشخاصی که مال آن‌ها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت و یا در ظرف یک سال از انقضای آن اعلام شده باشد.

#### طبقه سوم

طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

#### طبقه چهارم

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقل از پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

#### طبقه پنجم

سایر بستانکاران.